

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سازمان انقلابی افغانستان

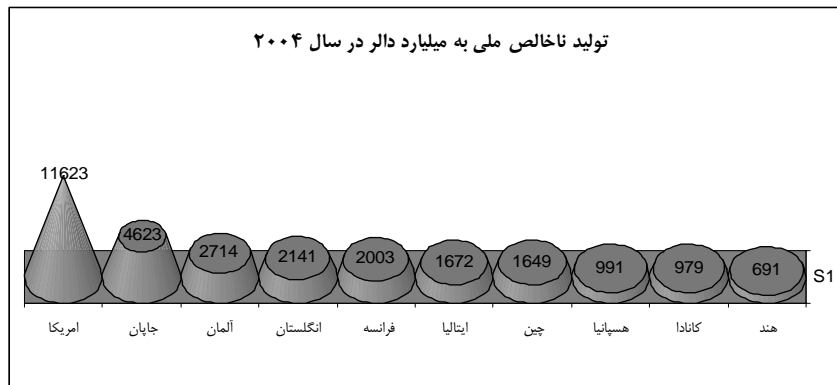
«جامعه جهانی» یا امپریالیست های خونخوار؟

به ادامه گذشته:

۳ – از نظر اقتصادی:

رشد ناموزون سرمایه یکی از مشخصات اصلی امپریالیسم است. در چند سال اخیر با آنکه امریکا خود را سرمفتش تمام حرکت های سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان قرار داده و فوکویاما تیورین «کبیر بورژوازی» پایان تاریخ و جاودانگی نظام بورژوازی را اعلام کرد، اما در موقعیت اقتصادی امپریالیست ها تغییرات مهمی رونما گردید و به تبعیت از آن در موضعگیری های سیاسی، نظامی، بازار و سرمایه آن ها نیز تغییرات جدی نمایان شده است که شامل هماهنگی و ناهماهنگی های جدیدی است. به این خاطر یکی مقابل دیگری دندان تیز کرده تا آسان تر حریف را بخوابانند و گوشت و پوست توده ها را عمیق تر بچوند. در سال ۲۰۰۴ ده کشور برتر اقتصادی از نظر تولید ناخالص ملی به میلیارد دالر عبارت بودند از:

امریکا (۱۱۶۲۳)، جاپان (۴۶۲۳)، المان (۲۷۱۴)، انگلستان (۲۱۴۱)، فرانسه (۲۰۰۳)، ایتالیا (۱۶۷۲)، چین (۱۶۴۹)، اسپانیا (۹۹۱)، کانادا (۹۷۹) و هند (۶۹۱). در چهار سال گذشته چین از موقعیت هفتم به موقعیت چهارم و فرانسه از موقعیت ششم در موقعیت پنجم قرار گرفت.



اما با رشد ناموزون، روسیه موقعیت چهار سال قبل را پشت سر گذاشت و به خصوص با تشکیل پیمان شانگهای

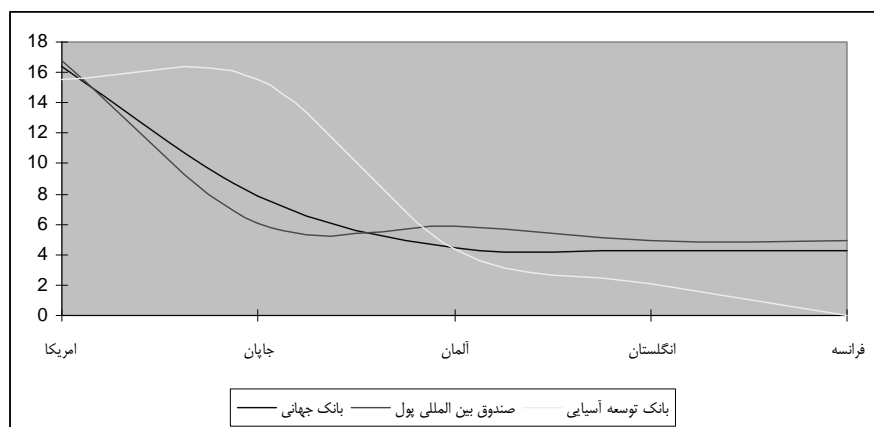
که در اتحاد با چین، امتیاز نفت سایبریا را در بدل ۸۰ میلیارد دلار به آن فروخت و کمپنی های نفت روسی موقعیت شان را در آسیای میانه و حوزه قفقاز (دومین ذخیره گاه نفت جهان) تثبیت کردند. ایران، هند، سوریه و اندونیزیا چندین میلیارد دلار را برای خرید سلاح به روسیه فرمایش دادند، علاوه بر روسیه از فروش سوخت اتمی به ایران سود کلانی به چنگ آورد و به این شکل در بازارهای جهان موقعیتش را استوارتر کرد. در چهار سال گذشته که عاید ناخالص ملی آن ۵۸۲ میلیارد دلار بود و در رده پانزدهم قرار داشت، اکنون به شدت بهتر شده است. اینهمه درآمد از طریق استثماری خونین توده های خود این کشورها و کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره به دست می آید و به این خاطر روز تا روز تفاوت طبقاتی میان سرمایه داران و زحمتکشانشان افزایش یافته و فقر عمومی جهان را فرا می گیرد که در جایش آن را توضیح خواهیم داد.

بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی و بانک انکشاف آسیایی، نهادهای چهارگانه فراملیتی اند که در بسیاری از تغییر و تحولات جهانی نقش مهم و حتی در بعضی حالات نقش تعیین کننده دارند و برای کمپنی های امپریالیستی در زمینه های گوناگون بستر ایجاد می کنند. این نهادها به شیوه های گوناگونی در شکستن اقتصاد کشورهایی که به شیوه غیربازار کار می کنند، فعال اند. به این ترتیب این ها چون چوبدست امپریالیست ها ابزارهای بسترسازی نظم نوین جهانی به حساب می آیند. مثلاً بانک جهانی عامل اصلی شکست ساختارهای اقتصادی در روسیه بود و آن را محتاج غرب ساخت. سهامداران مهم سه بانک بزرگ عبارتند از:

۱ - بانک جهانی: امریکا: ۱۶.۴ درصد، جاپان: ۷.۸۷ درصد، المان: ۴.۴۹ درصد، انگلیس: ۴.۳۱ درصد و فرانسه: ۴.۳۱ درصد.

۲ - صندوق بین المللی پول: امریکا: ۱۶.۷۷ درصد، جاپان: ۶.۰۲ درصد، المان: ۵.۸۸ درصد، انگلیس: ۴.۸۸ درصد، فرانسه: ۴.۸۸ درصد، چین: ۳.۶۶ درصد، کانادا: ۲.۸۹ درصد.

۳ - بانک انکشاف آسیایی: امریکا: ۱۵.۵۷۱ درصد، جاپان: ۱۵.۵۷۱ درصد، چین: ۶.۴۲۹ درصد، کانادا: ۵.۲۱۹ درصد، المان: ۴.۳۱۶ درصد، انگلیس: ۲.۰۳۸ درصد سهم دارند. ۶۰ کشور عضو این بانک اند که ۴۸ کشور آن آسیایی و بقیه خارج از آسیا می باشند.



در جدول بالا می بینیم که امریکا به عنوان قدرت بزرگ مالی جهان در هر سه بانک نقش درجه اول دارد و لذا حرف اول را در معادلات اقتصادی جهان می زند که به تبع از آن در مسایل سیاسی و نظامی نیز چنین نقشی دارد. این بانک ها که با هزاران شعبه و شاخه در سرتاسر جهان پراکنده اند، سرمایه گذاری بسیاری از کشورها را کنترل می کنند، با اینکه جاپان درین سه بانک نقش دوم را دارد، اما چنان زیر تسلط و فشار سیاسی- نظامی

امریکا قرار دارد که علاوه بر حضور چهل هزار نیروی امریکایی در آن کشور، امریکا مستقیماً به باجگیری از آن می‌پردازد. در جنگ اول خلیج بیش از ده میلیارد دلار مصرف جنگ را جاپان پرداخت و اکنون مصرف نفت ناوگان دریایی امریکا را که به اصطلاح به عنوان پشتیبان عملیات یازده سپتامبر در بحر هند اسقرار یافته، نیز می‌پردازد. امپریالیزم جاپان که بیشتر از هر کشوری به نفت ضرورت دارد، از یک طرف چون خود را در معرض خطر آینده روسیه می‌بیند و از سوی دیگر خواهان آبراه آرام برای نفتکش‌هایش از خلیج فارس تا بحر هند و دریای جنوب چین می‌باشد، لذا راهی جز باجگذاری برای امپریالیزم مافوقتر خود (امریکا) ندارد، چیزی که بورژوازی بر سر اقتدار آن کشور را سخت فشار می‌دهد و در یکی دو سال اخیر دو دولت آن ازین بابت استعفاء داده است. از سویی هم المان و جاپان به طور مستمر به خاطر لیبرالیزه کردن هر چه بیشتر اقتصادشان زیر فشار امریکا قرار دارند، زیرا دولت‌های این دو کشور در پلان و نظارت بر سرمایه‌گذاری نقش مهم دارند و ازین بابت اقتصاد هر دو کشور از رشد بالایی برخوردار می‌باشد و حتی در بعضی موارد امریکا را به رویارویی و چلنج می‌طلبند. امریکا تکس‌های بلند گمرکی بر موترهای جاپان، مخصوصاً کمپنی هوندای آن در ۲۰۰۴ وضع کرد، ورنه موترهای شورولیت و کادیلاک امریکا را با شکست مواجه می‌ساخت.

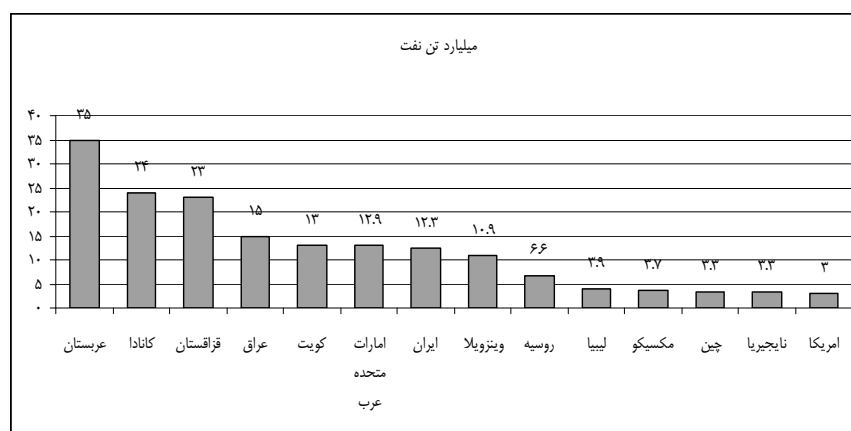
لیبرالیزم امپریالیستی در بخش اقتصاد، آزادی کامل انحصارات را می‌طلبد و دولت‌ها اجازه ندارند در چنین مواردی مداخله کنند، به این خاطر امریکا بر المان و جاپان فشار می‌آورد تا دولت‌هایشان درین موارد مداخله نکنند. با اینکه این دو کشور به تشکیل انحصارات بزرگی دست یافته و از امپریالیست‌های مهم و مؤثر در سرمایه و استثمار به حساب می‌آیند، اما تعزیراتی که بعد از جنگ دوم جهانی بر آن‌ها از منظر تولید سلاح وضع گردید، آن‌ها را در موقعیت ضعیفی قرار داد و این به سود امریکا تمام شد که آن‌ها را چون مستعمرانش بهره‌کشی نماید. موقعیت این دو امپریالیزم در برابر امریکا، فرانسه و انگلیس بسیار ضعیف می‌باشد و حرف‌های مهمی چون تقسیم جهان در شرایط حاضر ندارند.

یکی از مواردی که در موضعگیری و سرمایه‌گذاری‌های امپریالیست‌ها، مخصوصاً امپریالیزم امریکا اثر بسیار مهم داشته و دارد و امپریالیست‌های امریکا، فرانسه، انگلیس، جاپان، روسیه و چین را به سوی رقابت بیشتر و حتی جنگ خانمانسوز جهانی می‌کشاند، کشاکش بر سر تسخیر منابع نفت و گاز جهان است، به خاطری که تا حال جانشینی برای این دو انرژی در دنیا پیدا نشده است. از یک طرف روز تا روز مقدار ذخایر زیرزمینی نفت و گاز کاهش می‌یابد و از سوی دیگر نیاز به نفت و گاز افزایش یافته، به این خاطر امپریالیست‌ها در تلاش اند که ذخیره‌گاه‌های بیشتری را در کنترل خود بگیرند. زمانی «هنری برینگر» یکی از کارخانه‌داران معروف فرانسه گفته بود: «هر آنکه صاحب نفت شود، صاحب جهان است.» دکترین کارتر در مورد نفت این بود که: «هرگاه یک قدرت خارجی در صدد آن برآید که کنترل خلیج فارس را به دست گیرد، این اقدام باید به مثابه تجاوز بر منافع امریکا تلقی گردد و با تمام آنچه در قدرت ماست، من جمله قوت نظامی سرکوب شود.» وزیر نفت امریکا در ۱۹۸۹ گفت: «اگر جنگ سوم جهانی در بگیرد، موضع آن بدون شک مالکیت بر چشمه‌های انرژی حوزه خلیج فارس خواهد بود.»

امروز مقدار تولید نفت در دنیا به ۴۰ میلیون بیرل در روز می‌رسد (هر بیرل ۱۵۹ لیتر است) که یک چهارم حصه آن توسط امریکا مصرف می‌شود. در امریکا روزانه ۲۰۰ میلیون عراده وسیله نقلیه در حرکت است که مصرف این وسایل نسبت به ماشین‌های سیستم‌های صنعتی آن فوق‌العاده کم می‌باشد. امریکا تا سال ۲۰۲۰ روزانه به ۶۷ میلیون بیرل نفت ضرورت پیدا می‌کند. چین دومین مصرف‌کننده نفت دنیاست. جاپان فقط برای ۳۶

روز ذخیره ی نفتی دارد. به این خاطر کمپنی های نفتی گردانندگان اصلی اقتدار، سیاست و نظامیگری در جهان می باشند. اکثر جنگ ها، استقرار نیروها، تجاوزها و قتل ها بر سر تصاحب چاه های نفت و گاز صورت می گیرد. کمپنی های آرامکو، اکسون، تکساکو، موبایل، ستاندارد، آیل آف کلینفورنیا، بریتش پترولیم، شیل، توتال، شفرن، گازپروم و سی ان پی اس از بزرگ ترین کمپنی های نفتی جهان اند که انحصار تولید، تجهیزاتی چون تصفیه خانه، پایپ لاین و تکنالوژی آن را در دست دارند. روسیه، ایران، ترکمنستان و اندونیزیا به ترتیب از کشورهای اند که بزرگترین ذخیره گاه های گاز جهان را در سینه دارند. اما کشورهایایی که بزرگ ترین ذخایر نفت جهان را در اختیار دارند، به ترتیب عبارتند از:

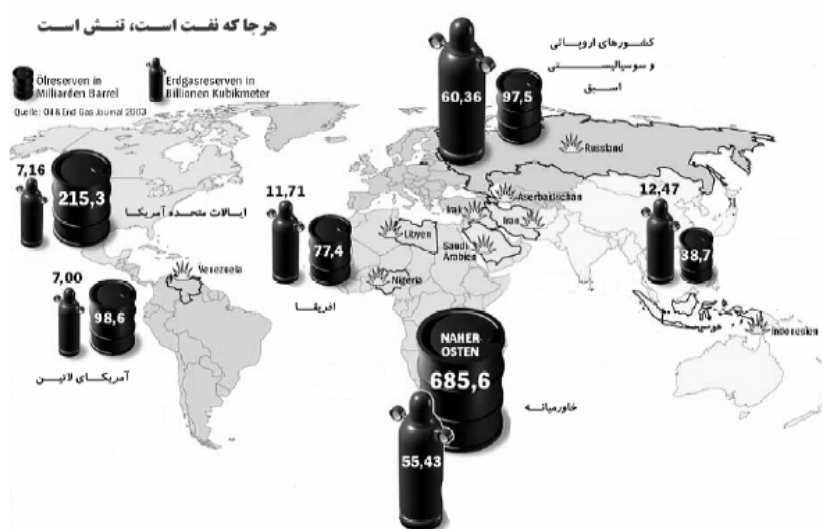
عربستان: ۳۵ میلیارد تن، کانادا: ۲۴ میلیارد تن، قزاقستان: ۲۳ تا ۳۵ میلیارد تن، عراق: ۱۵ میلیارد تن، کویت: ۱۳ میلیارد تن، امارات متحد عربی: ۱۲.۹ میلیارد تن، ایران: ۱۲.۳ میلیارد تن، ونزویلا ۱۰.۹ میلیارد تن، روسیه: ۶.۶ میلیارد تن، لیبیا: ۳.۹ میلیارد تن، مکزیکو: ۳.۷ میلیارد تن، چین: ۳.۳ میلیارد تن، نایجریا: ۳.۳ میلیارد تن، امریکا: ۳ میلیارد تن.



چون در پنج قاره جهان، چهار حوزه مهم نفتی وجود دارد، لذا هر پنج قاره از رقابت، رویارویی، هماهنگی و ناهماهنگی کمپنی های امپریالیستی در امان نیست و به این خاطر امریکا در ۱۶ سال گذشته ۱۱۵ بار به طرق مختلف بر کشورهای نفت خیز حمله کرده است. این چهار حوزه از نظر مقدار ذخیره به ترتیب شامل شرق میانه، آسیای میانه و قفقاز، افریقای غربی و امریکای جنوبی (کولمبیا، مکزیکو و ونزویلا) می باشد. امروز چهل درصد نفت جهان در خاورمیانه تولید و از تنگه هرمز می گذرد که پنج کمپنی امریکایی و انگلیسی و کمپنی توتال فرانسوی بر بخش اعظم آن ها سرمایه گذاری کرده است. نفت عربستان سعودی در ۱۹۳۶ کشف شد و تا ۱۹۵۲ هزارم حصه قیمت آن از سوی کمپنی های نفتی به این کشور پرداخته می شد و در برابر هر تن نفت کویت فقط ده سنت می پرداختند. ارزش نفت به اندازه ای بر سودهای امپریالیستی اثرگذار است که اگر در قیمت هر بیبرل نفت ده دلار اضافه گردد، بازار اقتصادی اروپا سالانه ۳۵۰ میلیارد دلار (روزانه حدود یک میلیارد دلار) ضرر می کند و به همان پیمانانه کمپنی های انحصاری امریکایی فایده می برند. این محاسبه نشان می دهد که انرژی نفت و گاز در شرایط کنونی سرنوشت امپریالیست ها و کمپنی های شان را رقم می زند و با اینکه امریکایی ها گاهی از بلند رفتن قیمت نفت شکایت می کنند، اما خود به پیمانانه زیاد ازین نوسانات که بیشتر رو به بالاست، سود می برند. کمپنی های امریکایی که بخش اعظم نفت دنیا را کنترل می کنند، به طور مستمر ازین حربه به ضد روسیه، جاپان و اتحادیه

اروپا استفاده می کنند و به این خاطر دوستی و منازعه میان این کشور با سود و تاوان نفت در جهان عیار می گردد. امریکا که در شرق میانه نیروی کافی در عراق، عربستان سعودی، کویت، قطر، عمان و خلیج فارس دارد و اسرائیل نیز با تمام نیرومندی هم پیمانش می باشد، کوشش می کند که از یک طرف نفوذش را اضافه تر سازد و از سوی دیگر از نفوذ حریفان جلوگیری نماید.

در حوزه دوم کشورهای قزاقستان، قرغیزستان و ترکمنستان سرشار از نفت و گاز قرار دارند که اگر این حوزه در اختیار روسیه و چین قرار گیرد، در تمام زمینه ها قادر خواهند شد که در مقابله با امریکا برخیزند. اما امریکایی ها امروز در ترکمنستان سرمایه گذاری کرده، گاز پروم روسیه نیز در تولید نفت آن سهم است. علت اصلی تلاش امپریالیست های امریکایی جهت استقرار هر چه بیشتر نیرو درین منطقه به خاطر کنترل نفت و گاز آن می باشد.



حوزه سوم شامل کشورهای غرب آفریقا است. نایجریا پنج درصد نفت جهان را در اختیار دارد. در منطقه زانتومی کینیا ۱۴ میلیون بیبرل نفت تثبیت شده است و امریکا تصمیم دارد درین منطقه پایگاه نظامی بسازد. علاوه بر چاد و کامرون نیز نفت وجود دارد و کمپنی های نفتی شفرن، شیل، اکسون و اسو درین قاره فعال می باشند. امریکا که ۱۴ درصد نفت خود را از آفریقا وارد می سازد، تصمیم دارد به زودی این واردات را به ۲۵ درصد برساند. نایجریا که طی چند سال اخیر ۴۰ میلیارد دلار نفت فروخته، ولی از جایی که رژیم حاکم بر آن از فاسدترین رژیم های دنیا می باشد، ۳۰ درصد مردم آن روزانه باید با نیم دلار زندگی کنند، چیزی که امپریالیست ها سخت عاشق چنین نظام هایی می باشند. بر اکثر کشورهای نفت خیز رژیم هایی به شدت مزدور و ضد مردمی حاکم اند که تمام تولیدات نفت شان را به پای امپریالیست های حامی خود فدا می کنند و با چنین ثروتی سطح زندگی مردم شان پایین بوده، بیشتر این کشورها زیر بار قرض سرمایه داران گور می باشند. سرمایه داران بر قدرت و خارج از قدرت درین کشورها چون بورژواکمپرادورها برای باداران سرمایه شان عمل می کنند و به این خاطر تفاوت طبقاتی و فقر دامنگیر ملت های آن ها می باشد. عربستان سعودی که بزرگ ترین کشور تولید کننده نفت در جهان است و روزانه بیش از یک میلیارد دلار تیل می فروشد، اکثر این پول ها را به پای امپریالیست ها، فساد و خرید سلاح های پیشرفته مصرف کرده، جامعه مصرفی دارد و بازارهای آن مملو از کالاهای لوکس سرمایه داری

می باشد. برای مشاوران نظامی و غیرنظامی امپریالیستی ملیون ها دالر پرداخت می شود و همین اکنون سعودی ها مصرف چهل هزار نیروی امریکایی مستقر در خاک خود را می پردازند. پادشاه خود را «خادم حرمین شریفین» یاد کرده با استفاده از جهالت های دینی مردم، هست و بود شان را به پای انحصارات امپریالیستی می ریزد و به این خاطر دولت فرتوت و مذهبی عربستان با آنهمه ثروت، امروز ملیاردها دالر مقروض می باشد.

حوزه چهارم شامل امریکای جنوبی و شمالیست که کانادا دومین ذخیره گاه نفت جهان را در اختیار و در پیمان نفتا زیر تأثیر سرمایه گذاری های امریکا قرار دارد. ونزوئلا، مکسیکو و کلمبیا در امریکای جنوبی از تولید کنندگان نفت اند. ونزوئلا تلاش دارد که دست امپریالیزم امریکا را ازین چاه ها قطع کند. به این خاطر امریکا برای از بین بردن دولت چاویز از هر سوراخی استفاده کرده، برای سرنگونی آن در مجلس سنا پول های کلانی به تصویب می رساند.

چین دومین مصرف کننده نفت جهان است و با اینکه بزرگ ترین ذخایر زغال سنگ جهان را در اختیار دارد و بزرگ ترین تولید کننده این ماده در جهان است، تصمیم دارد که در چند سال آینده نفت و گاز را جانشین مصرف زغال سنگ کند، چون این ماده با تولید گازهای خطرناکی می سوزد. اینک علاوه بر سرمایه گذاری هشتاد ملیارد دالری بر نفت سایبریا که امریکا سخت بدان چشم دوخته بود، با خرید کمپنی کانادایی «پتروکز» به ارزش ۴.۱۸ ملیارد دالر توسط کمپنی نفتی دولتی «CNPC»، اکنون روزانه ۱۵۰۰۰۰ بشکه نفت از حوزه قزاقستان می برد که هر بشکه نفت برایش ۹ دالر تمام می شود. علاوهً کمپنی چینی «سی ان او او سی» تصمیم داشت به ارزش ۱۸.۵ ملیارد دالر شرکت نفتی یونوکال را بخرد که به این صورت این شرکت چینی به یکی از کلان ترین شرکت های نفتی جهان مبدل می شد، اما امریکا با آن مخالفت کرد و شرکت امریکایی شفرن آن را به ارزش پایین تری خریداری نمود. چین می خواهد به زودی شهرک نفتی «همیانتوتا» را در جزیره سریلانکا به مصرف دو ملیارد دالر بسازد. به این ترتیب چین امروز یکی از بازیگران مهم نفت در جهان به حساب می آید.

منطقه و کشور	جمعیت ^۱ (میلیون نفر)	درصد از کل جمعیت جهان	درصد از کل مصرف سوخت ^۲ (میلیون بشکه)	مصرف سوخت ^۳ (هزوم بشکه در روز)	درصد از کل مصرف سوخت جهان ^۴	تولید سوخت ^۵ (میلیون بشکه)
ایالات متحده امریکا کانادا	۲۸۲ ۳۰	۲۱/۶ -۰/۵	۱۹/۶ ۱/۹	۶۹/۲ ۶۲/۱	۲۵/۵ ۲/۵	۷/۷ ۲/۷
امریکای شمالی	۳۱۴	۵/۱	۲۱/۵	۶۸/۵	۲۸/۰	۱۰/۴
آلمان	۸۲	۱/۳	۲/۸	۲۹/۱	۲/۷	-
فرانسه	۵۹	-۱/۹۷	۲/۰	۲۲/۹	۲/۷	-
انگلستان	۵۹	-۱/۹۷	۱/۶	۲۷/۱	۲/۲	۲/۵
اروپا (غربی، شمالی و جنوبی)	۴۲۳	۷/۰	۱۹/۹	۲۵/۴	۱۹/۹	۶/۷
روسیه	۱۴۵	۲/۴	۲/۴	۱۶/۵	۲/۵	۷/۰
جمهوری های سابق اتحاد شوروی	۱۳۹	۲/۳	-/۹	۶/۴	۱/۳	۱/۶
اروپای شرقی	۱۰۹	۱/۸	۱/۶	۱۴/۶	۲/۱	-/۱
ژاپن	۱۲۷	۲/۰	۵/۴	۴۲/۵	۷/۰	-
چین	۱.۲۷۵	۲۱/۰	۵/۰	-/۴	۶/۶	۲/۳
خاورمیانه	۱۶۷	۲/۷	۹/۳	۲۵/۷	۵/۹	۲/۲۲
آسیا و اسیان	۳.۶۲۸	۵۹/۹	۲۵/۲	۶/۹	۳۳/۴	۴۰/۱
آفریقا	۷۹۳	۱۳/۰	۲/۵	۳/۱	۲/۳	۷/۸
مکزیک	۹۹	۱/۶	۱/۸	۲۲/۹	۲/۴	۲/۵
امریکای لاتین و مرکزی	۴۸۱	۷/۹	۶/۵	۱۲/۵	۸/۶	۱۰/۵
جهان	۶.۰۵۶	۱۰۰	۷۵/۳	۱۲/۴	۱۰۰	۷۴/۵۳۳

۱- منبع: مرکز آمار سازمان ملل متحد، گزارش جمعیت جهان در سال ۲۰۰۰، رقم به نزدیک ترین عدد صحیح گردانده شده است. ۲- منبع: بریتش پترولیوم، «بررسی انرژی جهانی»، ژانویه ۲۰۰۲، رقم به نزدیک ترین عدد اعشار گردانده شده است. ۳- اختلاف بارقه جمع مصرف در جهان ناشی از استفاده از نفت ابلر شده بوجود آمده و همچنین تفاوت شیوه های محاسباتی است.

ادامه دارد